

قرآن در نگاه امام حسن مجتبی (ع)

در کنار رفتارهای قرآنی امام حسن مجتبی (ع)، از دیدگاه های حضرت پیرامون قرآن هم نباید غافل ماند. حسن بن علی (ع) گاه از نقش راهنمایی قرآن سخن می گوید...



محمد عابدی

در کنار رفتارهای قرآنی امام حسن مجتبی (ع)، از دیدگاه های حضرت پیرامون قرآن هم نباید غافل ماند. حسن بن علی (ع) گاه از نقش راهنمایی قرآن سخن می گوید، زمانی از تفسیر و شیوه ها و نبایدهایش سخن می گوید. از تأثیر آن در جلای سینه ها، تأثیرش در قیامت و احوال مؤمنان و شرائط تمسک به قرآن و... سخن دارد. گوشه هایی از این بخش ها را می خوانیم:

الف) قرآن؛ ثقل اکبر

امام حسن علیه السلام بعد از بیعت مردم، فرمود: ما حزب پیروز خداییم. نزدیک ترین خاندان پیامبریم. اهل بیت پاکیزه و پاک اوییم و «احداث الثقلین الذین خلفهما رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فی امته والثانی کتاب الله فیه تفصیل کل شیء» «لایأتیه الباطل من بین یدیه و لامن خلفه» (1)؛ و یکی از آن دو گران سنگ هستیم که رسول خدا در امت خود به یادگار نهاد و دومی آن، کتاب خداست که «در آن بیان هر چیز است و از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی آید».

ب) قرآن؛ امام هدایت

امام حسن علیه السلام فرمود:

«ما بقی فی الدنیا بقیة غیر هذا القرآن فاتخذوه اماماً یدلک علی هدایم و إن احق الناس بالقرآن من عمل به و إن لم یحفظه و أبعدهم منه من لم یعمل به و إن کان یقرأه» (2)؛ در دنیا غیر از این قرآن چیزی نمانده است. پس آن را امام خود قرار دهید تا شما را به هدایت راهنمایی کند. سزاوارترین مردم به قرآن کسی است که به آن عمل کند، هرچند آن را حفظ نکرده باشد و دورترین فرد از قرآن کسی است که به آن عمل نکند، هرچند آن را بخواند.

ج) قرآن در قیامت

امام حسن علیه السلام فرمود:

«إن هذا القرآن یجیء یوم القیامة قائداً و سائقاً یقود قوماً الی الجنة أحلوا حلاله و حرّموا حرامه و آمنوا بمتشابهه و یسوق قوماً الی النار ضیعوا حدوده و احکامه و استحلوا محارمه» (3)؛ این قرآن در روز قیامت در حالی که راهبر است می آید؛ مردمی را که حلال قرآن را، حلال و حرام آن را، حرام گرفته اند و به متشابه آن ایمان آورده اند، به بهشت رهنمون می شود و مردمی را که حدود و احکامش را ضایع کرده اند و حرامهایش را روا شمرده اند،

به آتش می اندازد.

د) قرآن؛ شفای سینه ها

از امام حسن علیه السلام است که فرمود: «إن هذا القرآن فیه مصابیح التور و شفاء الصدور فلیجل جال بضوءه و لیلجم الصفة قلبه، فإن التفكير حياة القلب البصیر كما یمشی المستنیر فی الظلمات بالتور» (4)؛ چراغهای نور و شفای سینه ها در این قرآن است. پس باید سالک، در نور آن راه بییماید و با این ویژگی، دل خود را لگام زند؛ زیرا این اندیشیدن حیات دل بیناست، همان گونه که آدمی در

تاریکی ها با نور روشنائی می گیرد.

ه) قرآن؛ طرف محاسبه و حجت

کسی از امام حسن علیه السلام تقاضای اندرز کرد... امام فرمود: با نعمت های خداوندی خود را بازدارید و از اندرزا سود برید که خدا برای پناه جوئی و یآوری کافی است. «وکفی بالکتاب حجیجاً و خصیماً و کفی بالجنة ثواباً...» (5)؛ و قرآن حجت و طرف محاسبه ای تمام است و بهشت برای ثواب و...

و) شرط آویختن به قرآن

امام حسن (ع) در ضمن موعظه ای طولانی پیرامون تمسک به قرآن فرمود: «واعلموا علماً یقیناً أنکم لن تعرفوا التقی حتی تعرفوا صفة الهدی و لن تمسکوا بميثاق الكتاب حتی تعرفوا الذی نبذه و لن تتلوا الكتاب حق تلاوته حتی تعرفوا الذی حرّفه فاذا عرفتم ذلك عرفتم البدع والتکلف و رأیتم الفریة علی الله و التحریف و رأیتم کیف یهوی من یهوی و...» (6)؛ یقین داشته باشید تا ویژگی هدایت را نشناسید، تقوا را نخواهید شناخت و تا آنانی را که قرآن را پشت سر انداختید، نشناسید، به پیمان قرآن نتوانید آویخت و تا تحریف کنندگان قرآن را نشناسید، آن را چنان که حق تلاوت آن باشد، نخواهید خواند. پس وقتی اینها را شناختید، بدعت ها و پیرایه ها را نیز خواهید شناخت و افتراها بر خدا و تحریف را می بینید و پی می برید آن که سقوط کرد، چگونه سقوط نمود.

ز) حرمت تفسیر به رأی

از نگاه امام حسن علیه السلام «تفسیر» باید روشمند باشد.

بر این اساس، «تفسیر به رأی» حرام است. «من قال فی القرآن برأیه فأصاب فقد أخطأ» (7)؛ هرکسی درباره قرآن با رأی خود سخن گوید و به حق باشد، باز گناه کرده است.»

(ح) پیرامون تلاوت قرآن

از امام حسن علیه السلام است که: «من قرأ القرآن کان له دعوة مجابة اما معجلة و اما مؤجلة» (8)؛ هرکس قرآن بخواند، یک دعای مستجاب دارد؛ دیر یا زود. و فرمود: «من قرأ ثلاث آیات من آخر سورة الحشر اذا أصبح فمات من یومه ذلک طبع بطابع الشهداء و إن قرأ اذا أمسى فمات فی لیلته طبع بطابع الشهداء» (9)؛ هرکسی هنگام صبح سه آیه آخر سوره حشر را بخواند، و در آن روز بمیرد، مهر شهدا خواهد خورد و چون شب شود و بخواند و بمیرد، نیز ممهور به مهر شهدا می شود.»

متن کامل در etedaily.ir

*نقش اهل بیت علیهم السلام نسبت به قرآن

(الف) نزول قرآن بر خاندان رسالت

از نظر امام حسن علیه السلام خانه اهل بیت، محلّ نزول فرشتگان الهی و وحی آسمانی است. از این روی امام حسن علیه السلام بعد از جنگ جمل، به خاطر مریضی، یعنی امام علی علیه السلام خطبه های نماز را خواند و در آن فرمود: «ایّها الناس إنّ الله اختارنا بالتبوة... و انزل علینا کتابه و وحیه...» (10)؛ ای مردم! خدا ما را به نبوت برگزیده (نبوت در خاندان ماست)... و کتاب وحی خود را بر ما نازل کرد...»

(ب) علی علیه السلام، جامع قرآن

امام حسن علیه السلام فردای روزی که امام علی علیه السلام به شهادت رسید، در میان مردم کوفه سخنرانی کرد. وی در آنجا فرمود: «یا اهل الکوفة لقد فارقتکم بالأمس سهم من مرامی الله... اعطی الکتاب خواتیمه و عزائمہ (11)؛ ای اهل کوفه! دیروز کسی از شما جدا شد که تیری از تیرهای خدا بود... خواتیم و عزائم قرآن (همه دانشهای دور از دسترس و احکام ظاهری) به او داده شده بود.»

(ج) اهل بیت علیهم السلام، اهل قرآن شناسی

امام حسن علیه السلام فرمود: «لا یجهلکم الذین لایعلمون و الیتمسوا ذلک عند اهلہ فاثم خاصّة نور یستضاء بهم و ائمة یقتدی بهم...» (12)؛ نادانان، شما را به جهالت نکشاند و این (قرآن شناسی و حق شناسی) را از اهلش (اهل بیت) بجوید.»

(د) اهل بیت علیهم السلام تأویل کنندگان قرآن

امام حسن علیه السلام در ضمن نقل حدیث ثقلین می فرماید: «فالمعول علینا فی تفسیره لانتظتی تأویله بل نتیقن حقائقه فأطیعونا» (13)؛ در تفسیر آن، ما مورد اعتمادیم و از روی خیال تأویل نمی کنیم؛ بلکه از روی یقین حقایق آن را بیان می کنیم. از ما پیروی کنید.»

و براساس قائل بودن به چنین جایگاهی برای اهل بیت علیهم السلام است که وقتی ابوسعید عقیصا از دلیل «صلح» می پرسد، امام می فرماید: اباسعید! علت صلح من با معاویه، همان علت صلح رسول خدا با بنی صخره و بنی اشجع و اهل مکه است، وقتی که از حدیبیه برگشت. آنان طبق تنزیل، کافرند و معاویه و یارانش طبق تأویل قرآن. (14)

*استشهاد به آیات الهی

امام حسن مجتبی علیه السلام در سخنانش همواره از کلام الهی استفاده می کرد و به خاطر عشق و علاقه، سخنش را مزین به آن می ساخت و مواقعی هم به شاهد آوردن از آیات در ذیل کلام خود می پرداخت. این دسته از سخنان حضرت را می توان تحت عنوان «استشهاد و استفاده از آیات» گردآورد که البته حجم وسیعی هم دارند و ما تنها به ذکر نمونه بسنده می کنیم:

(الف) صبر بر جهاد

امام حسن علیه السلام بعد از اطلاع از حرکت لشکر معاویه، خطبه ای خواند و فرمود: به راستی خداوند جهاد را بر بندگان خود واجب فرمود و آن را ناگوار نامید. سپس به مؤمنان مجاهد فرمود:

«واصبروا إنّ الله مع الصّابرين» (15)؛ «صبر پیشه کنید که خدا با صابران است.» ای مردم! شما به آنچه می خواهید نمی رسید مگر با صبر بر آنچه ناگوار است؟ (16)

(ب) تقوا، عامل نجات

امام حسن علیه السلام در نصیحتی طولانی به عامل تقوا اشاره می کند و می فرماید: «... خدا شما را به تقوا سفارش کرد و آن را نهایت خشنودی خود قرار داد که تقوا در هر توبه و سرآمد هر حکمت و شرف هر کاری است: به سبب تقوا پارسایان رستگار شدند. خداوند متعال فرمود: «انّ للمتّقین مفازا» (17)؛ به راستی که پرهیزکاران را رستگاری است. و فرمود: «وینجی الله الدّین اتقوا بمفازتھم لا یمسّهم السوء و لاهم یحزنون» (18)؛ و خدا کسانی را که پارسایی پیشه کنند، به کارهایی که مایه رستگاری آنها شد، نجات می دهد. بدی به آنان نمی رسد و غمگین نمی شوند.

پس ای بندگان خدا! از خدا پیروی کنید و بدانید هرکه از خدا پروا کند، خدا راهی برای بیرون رفتن از فتنه ها به رویش می گشاید و در کارش درستی بخشد و هدایتش را فراهم کند و حجت او را پیروز کند و رو سفیدش سازد.» (19)

(ج) اخلاص، رمز اجابت

از امام حسن علیه السلام است که فرمود: ای مردم!... با ذکر فراوان خود را از خدا (غضب و عذاب) بازدارید و با پارسایی از او بترسید و با فرمانبرداری به خدا تقرّب جوید که او نزدیک و پاسخگو است. خداوند می فرماید: «و اذا سألک عبادی عتی فاتی

قریب اجیب دعوة الدّاعی اذا دعان فلیستجیوا لی و لیؤمنوا بی لعلمهم یرشدون» (20)؛ هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند، من نزدیکم و دعای دعاکننده را چون مرا بخواند، اجابت می کنم. پس باید فرمان مرا برند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند. پس خدا را فرمان ببرید و به او ایمان آورید. (21)

*استناد و احتجاج با آیات

در موارد متعدّدی امام حسن علیه السلام سخنان و اقدامات خود را مستند به آیات الهی می کرد و دلیل ادّعاهایش را از قرآن کریم استخراج و اعلام می نمود؛ گاهی هم در برابر مخاطبان توسط آیات قرآن کریم احتجاج می کرد و آنان را با پاسخ هایی نهایی و قاطع رو به رو می ساخت. این قسم از احادیث حسنی علیه السلام نیز فراوانند (22) و ما تنها به تعدادی اشاره می کنیم.

(الف) مشارکت شیطانی

یزید به امام حسن علیه السلام گفت: از روزی که به دنیا آمده ام، تو را دشمن می دارم. امام فرمود: بدان ای یزید! شیطان در آمیزش پدر تو مشارکت داشت و هر دو نطفه به هم آمیختند و در وجود تو دشمنی مرا نهادند. زیرا خدای متعال می فرماید: «وشارکهم فی الاموال والاولاد» (23)؛ در مال ها و فرزندان شان شرکت جوی. و نیز در آمیزش «حرب» شرکت کرد و «صخر» از آن زاده شد. از این رو، او جدّم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم را دشمن می دارد. (24)

(ب) پیروی از امام عادل

امام حسن علیه السلام در ضمن یک سخنرانی مردم را به پیروی از اهل معرفت و خدا ترسی فراخواند و به آیه «فبهدهم اقتده» این گونه استناد کرد: خدا شما را رحمت کند. از اینان پیروی کنید که خدای متعال، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و پدران او ابراهیم و اسماعیل و فرزندان شان را ستود و فرمود: «فبهدهم اقتده» و بدانید که به پیروی ایشان مکلف هستید. (25)

*تفسیرهایی از امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام به تناسب مسائلی که پیش می آمد، از آیات الهی تفسیرهایش را ارائه می کرد. این کار، گاهی در قالب سخنرانی و مخاطبه بود و زمانی در شکل پاسخ به سوالات قرآنی. امام حسن علیه السلام همواره به عنوان قافله سالار خاندان علوی و اهل بیت علیهم السلام در دوره امامتش مورد پرسشهای مختلف قرآنی بود و در سایه آن حجم زیادی از پاسخهای حضرت هم به یادگار مانده است که به بازخوانی برخی می پردازیم.

(الف) منظور از سجود

قطب راوندی در فقه القرآن، درباره «وادبار السّجود» (26)؛ «و به دنبال سجود، او را تسبیح بگوی.» می گوید: امام حسن علیه السلام فرمود: منظور، دو رکعت مستحبی پس از نماز مغرب است. (27)

(ب) اصحاب اخذود

از ابن ابی حاتم نقل است که حسن بن علی علیهما السلام درباره اصحاب اخذود «اصحاب الأخذود» (28) فرمود: آنان اهل حبشه اند. (29)

(ج) تفسیر اولی الامر

امام حسن علیه السلام بعد از بیعت مردم، فرمود: از ما پیروی کنید که اطاعت ما، چون همراه اطاعت خدای سبحان و پیامبرش باشد، واجب است. خدا فرمود: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم فان تنازعتم فی شیء فرّوه الی الله و الرّسول» (30)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را نیز اطاعت کنید، هرگاه در امری اختلاف کردید، آن را به خدا و پیامبر عرضه دارید. «ولو ردّوه الی الرّسول و اولی الامر منهم لعلمه الذین یستنبطونه منهم» (31)؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امرشان برگردانند، قطعاً در بین آنان کسانی هستند که آن را دریابند و شما را بر حذر می دارم از گوش دادن به داد و فریاد شیطان که دشمن آشکار شماست... (32)

(د) سؤال از شاهد و مشهود

ابوالحسن علی بن احمد واقدی می نویسد: مردی گفت: نزد جوانی رسیدم که صورتش چون طلای سرخ می درخشید و از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم سخن می گفت، از تفسیر «شاهد و مشهود» پرسیدم، فرمود: اما شاهد، محمد است و مشهود، روز قیامت. آیا نشنیدی که می فرماید: «یا ایّها التّبیّ انا ارسلناک شاهداً» (33)؛ و «ذلک یوم مجموع له التّاس و ذلک یوم مشهود» (34)؛ پرسیدم: این جوان کیست؟ گفتند: حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام. (35)

(ه) سؤال از خلقنا بقدر

از امام حسن علیه السلام درباره فرموده خدا «اتا کل شیء خلقناه بقدر» (36)؛ سؤال شد. فرمود: خدا می گوید: «اتا کل شیء خلقناه لأهل التّار بقدر اعمالهم» (37)؛ ما هر چیزی را برای دوزخیان به اندازه اعمالشان آفریده ایم.

(و) سؤال از اولی الالباب

امام کاظم علیه السلام فرمود: حسن بن علی علیهما السلام فرمود: هر وقت نیازی داشتید، آن را از اهلش بخواهید. سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! اهل نیاز چه کسی است؟ فرمود: آن کسانی که خدا در قرآن از آنان یاد می کند: «اتما یتذکر اولی الالباب» (38)؛ «تنها ژرف نگرها پند پذیرند» ژرف نگرها، همان خردمندانند. (39)

*تطبیق و شأن نزول آیات

(الف) تطبیق مشکات و... بر اهل بیت علیهم السلام

امام حسن علیه السلام در نامه ای به عبدالله بن جندب نوشت: ... مثل ما در کتاب خدا، همچون مشکات است. مشکات،

قندیل است و در ما، چراغ است و چراغ، محمد و خاندان او هستند و چراغ در شیشه است. «الرّجاجة کاتها کوب درّی یوقد من شجرة مباركة» علی بن ابی طالب علیه السلام، «لا شرقیة ولا غربیة» معروفة لایهودیة و لانصرانیة «یکاد زیتها یضی ء و لولم تمسسه نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء» (40)؛ آن شیشه، گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی - علی بن ابی طالب - که نه شرقی و نه غربی است - نه یهودی و نه نصرانی است - افروخته می شود. نزدیک است که روغن آن - هرچند بدان آتش نرسیده باشد - روشنی بخشد. نوری بر روی نوری دیگر است. خدا هر که را بخواهد به نور خود هدایت می کند.»

«سپس ما نجیبان و پیشگامان پیامبران و جانشینان خدا در زمین و همان خالص شده های برای خدا در کتاب خداییم و ما نزدیک ترین مردم به پیامبر خداییم و ما آن کسانی هستیم که خدا دین خود را برای ما تشریع کرد و در کتاب خود فرمود: «شرع لکم من الدّین ما وصّی به نوحاً والذی اوحینا الیک و ما وصّینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اقیموا الدّین و لا تتفرّقوا فیه» (41)؛ «از دین آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرده برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش کردیم که دین را به پا دارید و در آن جدایی نکنید.» و بر امت محمد باشید. آری «کبر علی المشرکین» (42)؛ «بر مشرکان گران می آید.» (43)

ب) تطبیق ابرار به اهل بیت علیهم السلام
حسن بن علی علیه السلام فرمود: هر جا در کتاب خدای سبحان «انّ الابرار» (44) آمده است، سوگند به خدا، از آنها جز علی بن ابی طالب و فاطمه و من و حسین را اراده نکرده است. زیرا ما به سبب پدران و مادران خود «ابرار» هستیم و دل های ما با عبادات و نیکی ها بالا رفته و از دنیا و دوستی آن بیزار شده است و ما در همه فرائض الهی از او اطاعت می کنیم و به وحدانیت او ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق می کنیم. (45)

ج) تطبیق مروان به شجره ملعونه
مروان بن حکم در مجلس معاویه سخنان ناشایستی علیه امام حسن علیه السلام به زبان آورد. امام فرمود: مروان! سپاس خدایی را که با این تهدید تو، جز بر طغیان تو نیفزاید، همان طور که خدا فرمود: «و تُخَوّفهم فما یزید هم الا طغیاناً کبیراً» (46)؛ «و ما آنان را بیم می دهیم ولی جز طغیان بیشتر آنان نمی افزاید.» مروان! آیا تو و فرزندان همان درخت لعنت شده در قرآن نیستید؟ سه بار از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم شنیدم که تو را لعنت کرد. (47)

د) بیان شأن نزول
امام حسن علیه السلام به عمرو بن عاص فرمود: ای عمر! من تو را نمی شناسم، جز از عمل نامشروعی که پنج نفر درباره اش اختلاف داشتند... به سخن آمدی، و گفתי: من دشمن محمّد؟! و خدا در کتاب خود نازل فرمود: «انّ شأنک هوالابتر» (48)؛ «حقاً که دشمن تو خود بی نسل است.» (49)

پاورقیها:

1. بحارالانوار، ج 43، ص 359؛ شیخ طوسی، ص 691.
2. کشف الغمّه، ج 1، ص 573؛ ارشادالقلوب، ص 79.
3. بحارالانوار، ج 78، ص 112 و ج 92، ص 32؛ کشف الغمّه، ج 1، ص 573.
4. بحارالانوار، ج 78، ص 112 و ج 92، ص 32.
5. تحف العقول، ص 236؛ بحارالانوار، ج 78، ص 109.
6. تحف العقول، ص 227.
7. کشف الغمّه، ج 1، ص 573؛ ارشادالقلوب، ص 79.
8. بحارالانوار، ج 92، ص 204.
9. همان، ص 310.
10. همان، ج 32، ص 228.
11. همان، ج 44، ص 42. درباره عدم تحریف قرآن و جمع آن توسط امام علی ر.ک: همان، ج 36، ص 231.
12. همان، ج 78، ص 104.
13. همان ج 43، ص 359.
14. علل الشرایع، ص 211.
15. انفال / 46.
16. مقاتل الطالبيين، ص 59، نمونه های دیگر: ر.ک: همان، ص 55؛ المناقب، ج 4، ص 24 و 18؛ امالی، طوسی، ص 691؛ اصول کافی، ج 1، ص 300.
17. نبأ / 31.
18. زمر / 61.
19. تحف العقول، ص 232.
20. بقره / 186.
21. تحف العقول، ص 227.
22. مانند: کشف الغمّه، ج 1، ص 573 و 574؛ تحف العقول، ص 234؛ الاحتجاج، ج 2، ص 67؛ بحارالانوار، ج 44، ص 1.

23. اسراء / 64.
24. بحارالانوار، ج 44، ص 104.
25. ارشاد القلوب، ص 76، نمونه دیگر، ر.ک: کافی، ج 7، ص 289 (درباره احیای نفس).
26. ق / 40.
27. مستدرک الوسائل، در باب مربوطه، و ر.ک: المیزان، ج 18، ص 360.
28. بروج / 4.
29. کنز العمال، ج 2، ص 549.
32. امالی، شیخ طوسی، ص 691 ر.ک: همان، ص 269.
35. کشف الغمّه، ج 1، ص 543.
36. قمر / 49.
37. التوحید، ص 382، ر.ک: المیزان، ج 19، ص 85.
38. زمر / 9.
39. اصول کافی، ج 1، ص 19؛ نمونه دیگر، در باره علم غیب امام حسن(ع) ر.ک: دلائل الامامة، ص 171 و درباره قریبی ، بحارالانوار، ج 23، ص 232.
40. نور / 35.
43. تفسیر فرات کوفی، ص 285، ح 385.
44. مانند: انقطاع / 12.
45. المناقب، ج 4، ص 2. تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 136.
46. اسراء / 60.
47. مقتل الحسین(ع)، ج 1، ص 114.
48. کوثر / 3.
49. مقتل الحسین(ع)، ج 1، ص 114.
- 30 و 31. نساء / 59.
- 33 و 34. احزاب / 45.
- 41 و 42. شوری / 13.